زیبایی تویی که به بیراهه نمی روی

از همان روز که انسان برای گل ها اسم گذاشت و آنها را عاشقانه مراقبت کرد، به زیبایی علاقمند شد و سپس به یاد زیبایی گل ها، اسم نوزادان دختر را هم نام گل ها گذاشتند.

مریم ، رز، سوسن، نرگس، شقایق ، نیلوفر، آلاله ، نسترن و ....

انسان برای دانستن زیبایی و فهیمدن آن به طبیعت نزدیک شد و رفته رفته سعی کرد لطافت آن را با خود به همراه داشته باشد. در ویژگی های طبیعی بسیاری از عناصر، دقیق شد و فهمید که دریا زیباست، کوه و جنگل و چمنزار زیباست و از میان آنها، هرکدام که به صفات انسانی نزدیک تر و قابل تشبیه تر بود را انتخاب کرد و برای نامگذاری از آنها استفاده کرد. اسامی آدم ها در فرهنگ ایرانی، دریا، ساحل، خورشید، نسیم، آسمان ، باران، آتش و سهند و سروناز شد. برای دختران نشانی از لطافت و مهربانی و زیبایی و برای مردان نمایشی از اقتدار و صلابت.

زیبایی در نهان این اسامی، برای مردان تعریفی داشت و برای زنان تعریفی دیگر. کسی در تمام دوران زندگی، از قدیم تا کنون، اسم دخترش را صاعقه نگذاشته، حتی رعد و برق!

کسی در طول تاریخ به مردان صفات ضعف و لطافت نداده است و زیبایی برای آنها تعریفی جز مقاومت و قدرت ندارد. همین طور که برای زنان، نرمش و انعطاف، دلیل زیبایی و انتخاب اسم بوده است. از فرهنگ و تاریخ ایران که بگذریم، می رسیم به تمام تاریخ جهان و این معانی در اغلب فرهنگ‌ها ثابت و ماندنی است. شاید در دوره هایی از زمان به تناسب شرایط، تغییراتی رخ داده است و تعریف ها متغیر شدند ولی در کل، نمی تواند زیاد باشد. چه می شود که تعریف زیبایی در زمان ما تغییر کرده است و هر آنچه خلاف روال طبیعی است برای برخی از ما جذاب شده است؟

چه می شود که زیبایی برایمان دست بردن در تمام روال طبیعی دنیاست و هرچه به الگوهای من در آوردنی نزدیک شویم، جذاب تر است؟

سالیان بسیار زیادی از چهارچوب ها و قوانین گذشته است، ولی آیا آنها که با معیارهای انسانی نزدیک تر بودند ماندگارتر نیستند؟ آیا تعریف طبیعی و غریزی از مرد و زن و دادن صفات خاصه خودشان برای زیبایی به آنها منطقی تر نبود؟

گویی دیگر کسی از نسیم و دریا و باد احساس خوبی ندارد و این یعنی دوست داشتن خلاف روال طبیعی و غریزی زندگی و آنچه خلاف طبیعت و ذات انسانیت باشد، قطعا مهمان چند روزه دنیاست! قطعا شبیه قوانین پیش ساخته آدم هاست که نمی ماند و دستخوش تغییر خواهد شد و سلیقه ایست.

زیبایی چگونه می تواند خارج از سادگی، لطافت، تناسب، آرامش و احساس باشد؟ در حالیکه این روزها تعریف همه از زیبایی متفاوت است؟

زیبایی اسم آدم ها، این روزها تنها در تفاوت آنها است و همه به دنبال اسم و رسمی متفاوت هستند. گاهی اوقات همه زیبایی در تکرار سیر طبیعی مکررات روزمره است و دور شدن از آنها نه تنها زیبایی نمی آورد بلکه برایمان پر از زحمت و گرفتگی است. هرچه از موجودیت طبیعی خویش دور بیفتیم زیبایی اصلی را گم خواهیم کرد.

هرچه از صلابت دریا و لطافت گل ها دور باشیم ، راه را گم می کنیم. زیبایی همان چهره معصومانه دختری است بسان گلهای بهاری و همان مردانگی پسری نوجوان در شراره های آتش. همه چیز از قبل برنامه ریزی شده است و این آزمون و خطاهای بشری راه را بیراهه می کند. خداوند قبل از همه ما اینجا بوده و تعریف زیبایی را او بهتر از همه کس می داند.

زیباییمان نابود شد از لحظه ای که خواستیم جای خدا برای نام و چهره و قد و قواره مان نقشه بکشیم و تصور کنیم زیبا هستیم . تصور ما با تصویر خدا فرسنگ ها فاصله دارد .....

خدا برای پرستوها و مریم ها و گنجشک ها ، از قبل برنامه‌ریزی کرده است و ما نباید به دنبال توهم هایمان باشیم. زیبایی زندگی روزمره پر از آرامشی است که نصیب دغدغه ها نمی شود. زیبایی همان دعای همیشگی مادر است سر سفره افطار که الهی پیر شوی مادر.....

زیبایی تویی که به بیراهه نمی روی و از خودت دور نمی‌شوی.

بگذر از همه لعاب های امروزه که چنین اند و چنان ....

بگذر از همه نداشته های آدم ها که آن را دور از طبیعت انسانی جستجو می کنند .....

زیبا باش برای همیشه نه چند سال و چندگاهی ....

زیبا باش تا سن و سال برایت بی ارزش باشد و پیر شوی برای همیشه .....

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۷۳

۱

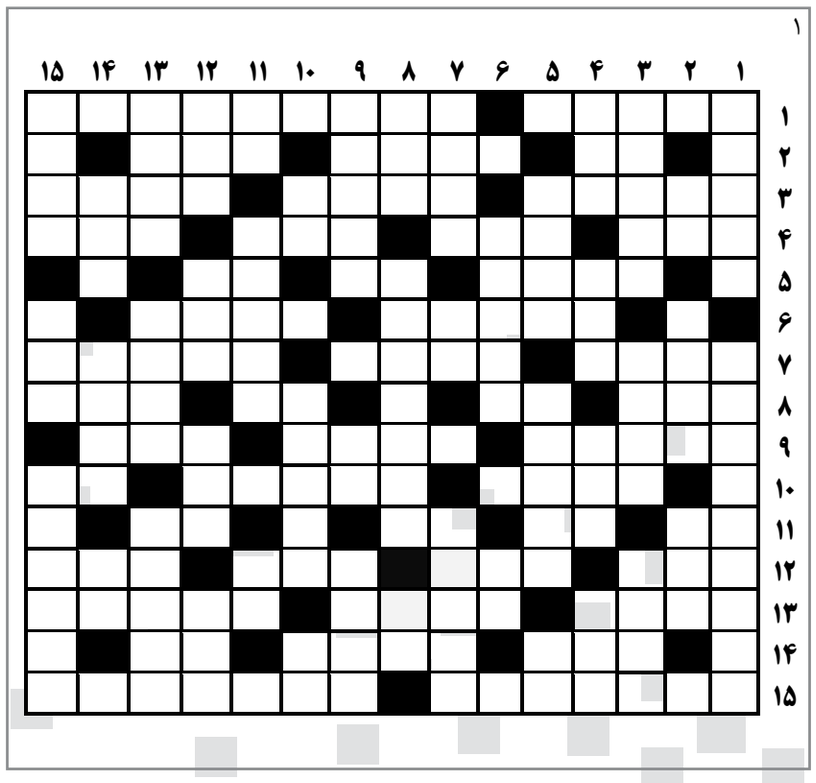

افقی:

۱-محل کار کارمند- نام یکی از زیرگذرهای شیراز

۲-اولین عدد- از مصالح ساختمان- آغشته به سم

۳-از میوه‌های تابستان- آفت مربا- گلوله‌ی گلی

٤-مادر ترکی- آرزو- الفت- از اصلاحات فوتبالی

۵-غیرممکن- طمع- آب منجمد

٦-نوعی سوسیس آماده خوردن- حیوان گورکن

۷-شکوه- از سلاح‌های قدیمی- نامی پسرانه و ایرانی

۸-روز- مجرای خون- مایه حیات- رها

۹-خدعه‌ها- زینت انگشتر- کم وزن

۱۰-رشد دهنده- جمع رب- به مردم لجوج و سرکش گویند

۱۱-شکم- مانع- نفس- یا

۱۲-مقصد- بازداشتن- خط فرضی بین کشورها- غرور

۱۳-از فلاسفه معاصر فرانسوی- ساز و برگ- جمع شقی

۱٤-زادگاه نیما- سنگینی- سطح

۱۵-آمیخته به رنج- از مارهای خطرناک

عمودی:

۱-دهن گشودن در رمضان- رئیس جمهور آمریکا در زمان پیروزی انقلاب ایران

۲-ضمیر اشاره به دور- رفتار- مخفف من را

۳-از استان‌های غربی- از علوم پرکاربرد در پژوهش و تحقیق- از نهادهای انقلابی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	س	ک	و	ب	■	م	ش	ت	ل	ق	د	ا	د	ن
۲	ن	■	ر	ل	■	خ	ا	م	ی	■	د	ر	س	■	س
۳	ز	ن	د	ی	ق	■	ت	ر	م	ه	■	چ	ا	ن	ی
۴	و	د	ا	■	ر	چ	م	■	ا	ل	ک	■	م	ه	م
۵	ی	■	ر	س	و	ا	■	د	چ	■	ن	ف	■	ی	■
۶	■	پ	■	م	ه	ل	ق	ا	■	س	م	ک	ن	■	ف
۷	پ	ه	ا	ر	■	ی	و	ن	س	■	ی	ز	ن	ا	ن
۸	ا	ت	ن	■	ا	ز	■	ش	■	پ	ر	■	ی	س	ر
۹	غ	ر	پ	ا	ل	■	ن	ک	ا	ه	■	م	م	ر	■
۱۰	ا	■	ه	ن	د	ی	■	ا	ز	ا	د	ی	■	ا	ت
۱۱	ل	ن	■	د	ن	■	س	ر	■	ن	■	ن	ا	■	ر
۱۲	پ	ی	د	■	ک	پ	ر	■	م	ه	ر	■	خ	د	ا
۱۳	ا	ک	ث	ر	■	ط	■	پ	خ	ی	■	ا	ل	ی	و
۱۴	ل	■	ا	ب	ر	■	ا	خ	ر	ت	■	ل	ا	■	ی
۱۵	و	ی	ر	ا	ن	ک	ر	■	چ	ن	ک	و	ص	ل	ح

٤-فریب و رودست- ریسمان- ناامیدی- پرچم

۵-قبل از دهگان- عبور کردن- بو

٦-از توهین‌های رایج- از ادات تنبیه

۷-برادر امیه- از توابع تهران- امس

۸-آب چشم- برای جلوگیری از نفوذ آب به سقف ساختمان انجام می‌دهند- سفید ترکی

۹-مهد تمدن و فرهنگ- برابر- جاه و مرتبه

۱۰-جشنواره‌ای سینمایی- اتاق مخصوص لوازم اضافی- علام مفعول بی‌واسطه

۱۱-سوره‌ای قرآنی- جیوه- بن مضارع از مصدر زاییدن

۱۲-ملح- خوب و مناسب و مطلوب- شهر بلقیس- همتا قایل شدن برای خدا

۱۳-تیغ آماده تراشیدن صورت- آنکه با دیگری بر یک مرکب سوار باشد- پدر یوسف (ع)

۱٤-آشیانه- رازی کشف کرد- نام قدیم اصفهان

۱۵-درون- سال- نگهبانی در

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۴۷

				2				
		2	6		7	1		
	8	9	5		3	7	4	
3			7		6		2	1
	7			3			5	
9	6		2		1			7
	2	7	3		5	4	8	
		5	4		2	3		
				9				

جواب جدول شماره ۹۴/۲۴۶

5	4	1	7	9	2	3	8	6
2	9	3	6	4	8	5	7	1
8	7	6	5	1	3	2	4	9
4	2	5	8	6	7	1	9	3
9	3	7	4	5	1	8	6	2
6	1	8	2	3	9	4	5	7
1	5	4	9	2	6	7	3	8
7	6	2	3	8	5	9	1	4
3	8	9	1	7	4	6	2	5

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره فجر

از باب تشبیه، [خدا] مثل کسی است که کمین می‌کند و خودش را مخفی می‌کند و می‌خواهد کسی را توقیف کند. بعد در حالی که او بی‌خبر است ناگهان از مخفیگاه بیرون می‌آید و یقه او را می‌گیرد. خدا و پروردگار تو، یعنی آن عدل الهی و آن انتقام الهی، همیشه در کمین است؛ پس، از این مهلت‌ها و فرصت‌ها سوءاستفاده نکنید.

روایتی از امیرالمؤمنین

علی(ع) فرمود: و لئن امهل الله الظالم فلن یفوت اخذه و هو له بالمرصاد علی مجاز طریقه و بموضع الشجا من مساغ ریقه. اگر خدا به ظالم مهلت می‌دهد خیال نکنید که ظالم از چنگ خدا در رفته است، اخذ او از خدا فوت نمی‌شود؛ یعنی از چنگ عدالت الهی بیرون نمی‌رود. خدا در گذرگاه او هست، یعنی در گذرگاه او عدل الهی ایستاده است و مانند یک استخوان در آنجا که می‌خواهد آب دهان را با گوارایی و نرمی فرو ببرد گلوگیرش می‌شود.

اینجاست که قرآن آن مطلب اصلی را که به منزله یک تفسیر کلی از حرف‌های گذشته است بیان می‌کند: فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن. و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن. کلمه «رب» با عنایت به مطلب اینجا آمده است، چون صحبت امتحان الهی است و امتحان مظهر ربوبیت الهی است، یعنی وسیله پرورش دادن و تکمیل انسان است.

غرض از امتحان‌های بشری

همیشه گفته‌ایم که امتحان‌های بشری به یکی از دو منظور است: یکی اینکه امتحان‌کننده می‌خواهد امتحان‌شونده را کشف کند، مثل امتحان‌های کنکور. در امتحان‌های کنکور ممتحنین می‌خواهند کشف کنند که شاگردهای بهتر چه کسانی هستند.

دیگر اینکه گاهی امتحان می‌کنند نه بر ای اینکه ممتحن بخواهد ممتحن را کشف کند، بلکه برای اینکه ممتحن خودش را کشف کند و مطلب بر خودش ثابت شود.

در این قسم، ممتحن همه شاگردهای خودش را می‌شناسد و می‌داند چه کسی شاگرد اول است و چه کسی شاگرد دوم و چه کسی قبول می‌شود و چه کسی رد می‌شود، ولی اگر بدون امتحان به شاگردان نمره دهد، می‌گویند «تو به ما اجحاف کردی». ممتحن امتحان می‌کند تا مطلب بر خود شاگردان روشن شود و حجت بر آنها تمام شود.

امتحان الهی

اما امتحان خدا هیچ یک از این دو قسم نیست. امتحان خدا یعنی انسان را در بوته سختی‌ها قرار دادن برای اینکه خودش به اختیار خودش، خودش را به کمال برساند. این نظیر امتحان عملی است که معلم‌های رانندگی از شاگردان خودشان می‌گیرند که ضمناً می‌خواهند آنها را تمرین بدهند و تکمیل کنند.

مثال

مثال دیگر- که مثال خوبی است- این است که در کتاب‌های حیوان‌شناسی و روان‌شناسی که راجع به غرایز حیوانات بحث می‌کنند می‌گویند: بعضی از پرندگان بچه خودشان را در بوته آزمایش پرواز قرار می‌دهند و ضمناً آنها را تمرین می‌دهند.

این پرنده وقتی به حکم غریزه احساس می‌کند که بچه‌اش آمادگی پرواز پیدا کرده، او را روی بال خود می‌نشاند و از آشیانه بیرون می‌آورد. مقداری که او را برد رهایش می‌کند. تا رهایش کرد، این بچه میان زمین و آسمان شروع می‌کند به بال زدن‌های نامنظمی.

بعد از مدتی خسته می‌شود و می‌خواهد بیفتد، او را می‌گیرد و مقداری با خودش حرکت می‌دهد تا خستگی‌اش رفع شود. بار دیگر او را رها می‌کند. چند روز این عمل را تکرار می‌کند و او را تمرین می‌دهد تا وقتی که مطمئن شود این بچه می‌تواند از آشیانه بیرون برود و بعد خوش به آشیانه برگردد.

هر نعمتی که خدا به انسان می‌دهد چنین چیزی است؛ یعنی وظیفه‌ای که انسان در برابر هر نعمت دارد مستلزم تحمل نوعی مشقت و تمرین و تکامل خود است. منتها نعمت احترام و حیثیت یک نوع مشقت به انسان تحمیل می‌کند و نعمت بی‌نام و نشانی یک نوع مشقت دیگر.

امتحان الهی برای کسی که نام و نشان دارد این است که تکبر نکند و خودش را بالاتر و برتر از دیگران نداند؛ یعنی با خود نگوید «برای اینکه من عزیز خدا هستم چه دلیلی بالاتر از اینکه به من چنین شأن و مقام و احترامی در میان مردم داده؟!» خیر، این برای تو یک امتحان بیشتر نیست.

از طرف دیگر کسی که بی‌نام و نشان است نباید این را نوعی تحقیق الهی تعبیر کند و بگوید «ای آقا! ما خدا زده هستیم؛ از دنیای ما پیداست که آخرتمان چیست.

گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد

ما از اولی که به این دنیا آمدیم روی پیشانی‌مان شقاوت و بدبختی نوشته شده بود و الا خدا ما را اینطور فقیر نمی‌کرد.»

قرآن می‌گوید نه این خدازدگی است و نه آن خدادادگی به معنی خدا گرامی داشتن است. برای انسان همه اینها پیش می‌آید، گاهی فقر پیش می‌آید و گاهی غنا، گاهی احترام پیش می‌آید و گاهی بی‌احترامی. انسان باید بداند که هیچ کدام از اینها فی حد ذاته نه دلیل کرامت الهی است و نه دلیل اهانت الهی. پس انسان باید کوشش کند تا از عهده امتحان برآید.